

بررسی تطبیقی آراء و نظریات آیت الله خوئی، آیت الله معرفت و تئودور نولدکه پیرامون جمع قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۵)

سید حسام الدین حسینی^۱

محمد بریهی بهمشیری^۲

چکیده

هدف تحقیق حاضر، «بررسی تطبیقی آراء و نظریات آیت الله خوئی و آیت الله معرفت و تئودور نولدکه پیرامون جمع قرآن کریم» است. آیت الله خوئی معتقد است که یکی از ادله مهم عدم جمع آوری قرآن در زمان پس از حیات پیامبر (ص)، تناقض محتوایی روایاتی است که گردآوری قرآن را مربوط به زمان خلفا می‌دانند و آیت الله معرفت معتقد است که جمع قرآن بعد از رحلت پیامبر صورت گرفته، نولدکه نیز ادعا می‌کند جمع نشدن قرآن در زمان پیامبر، یک امر روشن و بدیهی است، در صورتی که شواهد تاریخی بر این مطلب اقامه نکرده است.

در نهایت با توجه به نقد و بررسی ادله‌ی ارائه شده توسط این سه اندیشمند اثبات گردید، نظریه قابل قبولی که به صواب نزدیک‌تر و نظریه برتر است، این است که قرآن به صورت کامل در زمان حیات پیامبر، جمع آوری و جایگاه آیات و سور آن، معین شده و در زمان بعد از رحلت پیامبر (ص)، فقط و فقط در بین الدفتین (میان دو جلد) قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: جمع قرآن، تئودور نولدکه، آیت الله خوئی، آیت الله معرفت، بررسی تطبیقی.

مقدمه

قرآن کریم به گونه‌ای که امروزه در اختیار مسلمانان قرار دارد، کتابی تدوین شده از سوره‌ها و آیات است. اما اینکه این کتاب از چه تاریخی، با چه کیفیتی جمع‌آوری شده و به شکل کنونی درآمده است، از مسائل مهمی می‌باشد که قرن‌ها ذهن قرآن پژوهان را به خود مشغول کرده است. دانشمندان علوم اسلامی نظرات مختلفی در این مورد ابراز نموده‌اند. در مورد این که شکل نهایی قرآن یعنی قرآنی که اکنون در دست ماست چه زمانی ایجاد شده و تدوین کننده نهایی آن چه کسی است، اختلاف نظرهایی وجود دارد. (خوئی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲)

۱. استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، (نویسنده مسؤل). qquranmohammad@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، mohammad.bereihi@gmail.com

نولدکه می‌گوید: «الا يكون القرآن قد جمع كامل في ايام النبي (ص) امر بدیهی» (نولدکه، ۲۰۰۴، ص ۲۳۵). در واقع این مستشرق به صراحت اعلام می‌کند که کتابت کاملی از قرآن، در زمان حیات پیامبر (ص) وجود نداشته و قرآن در زمان ایشان جمع نشده است و قائل به تحریف اجزائی از آن نیز می‌باشد. (علی الصغیر، ۱۴۲۰، بخش نولدکه)

آیت الله معرفت (ره) - برخلاف دیدگاه آیت الله خوئی (ره) - معتقد است که جمع قرآن (در دوران ابوبکر و عثمان) یک رخداد تاریخی است که مستند آن نصوص تاریخی موجود است و آن را موضوعی عقلانی نمی‌داند که قابل بحث و جدل باشد و ایشان در پاسخ به اشکالاتی که به روایات جمع قرآن وارد شده است، می‌نویسد: «اتفاق نظر مورخان و ارباب سیر و اخبار امم

- از جمله محدثان نیز با آن موافقت - آن است که ترتیب سوره‌های قرآن امری است که پس از وفات پیامبر رخ داده و ترتیب کنونی با ترتیب نزول سوره‌ها - از نظر تاریخی - موافقت ندارد». (معرفت، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰)

از مسائل مهم در حوزه قرآن، موضوع «جمع و تدوین قرآن» در دوره‌های مختلف است که قرآن پژوهان مسلمان و غیرمسلمان اهتمام ویژه‌ای به آن داشته‌اند. در این باب، تألیفات و تصحیفاتی ارزشمند به رشته‌ی تحریر در آمده است، اما برخی ابعاد آن به ویژه جمع قرآن در قالب یک مصحف، همچنان در میان دانشوران تفسیر و علوم قرآن و به تبع آن در میان

اسلام‌شناسان و اسلام‌پژوهان غربی مورد اختلاف جدی قرار گرفته و نیازمند تحقیق و پژوهش می‌باشد. همچنین، نخستین شخصی که در مورد جمع و تدوین در کتاب تاریخ قرآن دست به تألیف جامعی زد تئودور نولدکه مستشرق آلمانی است، به همین جهت می‌بایست آثار او، شبهات و همچنین اشکالاتی که در این زمینه وارد ساخته است، بررسی شده تا نقاط ضعف در مطالعات آن، معلوم و اغراضی که در آثار خود مد نظر داشته است، روشن گردد. از جمله محققانی که به صورت گسترده نیز به این بحث پرداخته‌اند، عالم فرزانه حضرت آیت الله خوئی و آیت الله معرفت می‌باشند. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین دیدگاه‌های تئودور نولدکه، آیت الله خوئی و آیت الله معرفت در مورد جمع و تدوین قرآن شکل گرفته است.

۱- جمع و تدوین قرآن

ابتدا به معنای لغوی واژه «جمع» که مصدر از فعل جَمَعَ يَجْمَعُ است، در تألیفات لغت‌شناسان می‌پردازیم تا بر اساس آن معنای اصطلاحی جمع را تحلیل نماییم. عالمان لغوی متفق هستند که این واژه از سه حرف (جیم میم عین) تشکیل شده و به معنای «ضمیمه کردن» است و معنایی ضد «تفرقه» و «جداسازی» دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۵۳/فراهیدی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۳۹/طریحی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۱۴/راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۱).

جمع قرآن در اصطلاح احادیث و دانش علوم قرآن، به معنای «تدوین، تالیف و گردآوری آیات و سوره‌های قرآن کریم» است که مصادیق آن دو گونه می‌باشد: ۱. گردآوری و تدوین آیات در سوره‌ها؛ ۲. گردآوری و تالیف سوره‌ها به صورت کتاب که به آن مصحف گفته می‌شود (طاهری، ۱۳۷۷).

در میان دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان چهار دیدگاه در خصوص جمع و تدوین قرآن کریم و چگونگی انجام آن وجود دارد که در زیر آمده است:

۱. برخی اندیشمندان شیعه مانند سید مرتضی، آیت الله بروجردی و آیت الله خویی بر این عقیده‌اند که به موجب دلایل و شواهد فراوان، قرآن کریم در عصر رسالت و زیر نظر شخص رسول خدا(ص) جمع‌آوری و تدوین شده است و هنگامی که آن حضرت از دنیا رحلت فرمود، علاوه بر مصاحف شماری از صحابه، یک مصحف کامل در خانه آن حضرت موجود بوده است (سپهری، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۳۷-۷). از دانشمندان اهل سنت سیوطی نیز بر این عقیده می‌باشد. (سیوطی، ۱۳۸۱، ۶۳)

۲. صاحبان و طرفداران این دیدگاه، نظر خود را با استناد به یک واقعه تاریخی بیان می‌کنند که مشروح آن در منابع عمده مکتب خلافت آمده و مفصل‌ترین روایت آن را بخاری نقل نموده است. از جمله علمای شیعه‌ای که با این نظریه موافق هستند؛ مرحوم شعرانی علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت می‌باشند که با قاطعیت اظهار می‌دارند که جمع قرآن در یک مصحف، پس از رحلت پیامبر (ص) انجام گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۴۸). از جمله دانشمندان اهل سنت که با این نظریه موافق هستند می‌توان ابن عطیه و باقلانی را نام برد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۲: ۱۳۷)

۳- دانشمندانی که معتقدند در زمان عثمان قرآن جمع‌آوری شده است. از دانشمندان اهل سنت که جمع قرآن را کار عثمان می‌دانند می‌توان به طبری اشاره کرد. (طبری، بی تا، ۲۴: ۷۶). از میان عالمان شیعه، آیت‌الله محمدحادی معرفت استناد جمع قرآن را به هر یک از سه نفر (ابوبکر، عمر و زیدبن ثابت) درست می‌داند و معتقد است که استناد آن به عثمان هم از باب یکی ساختن مصاحف می‌تواند درست باشد که منظور ایشان از جمع قرآن در زمان ابوبکر جمع بین‌الدفتین و جلوگیری از پراکندگی صحیفه‌ها بوده ولی زمان عثمان هدف توحید و یکسان سازی مصحف بوده است (سپهری، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۳۷-۷).

۴- کسانی که می‌گویند قرآن در یک مصحف در زمان عمر جمع‌آوری شده است. این نظر بسیار ضعیف‌تر از نظر دیدگاه زمان ابوبکر است؛ و کسی از بزرگان اهل سنت آن را قبول ننموده و شاید مقصود از آن همان کلام سابق عمر باشد که از صحیح بخاری نقل شد که وی به ابوبکر گفت تا قرآن را به صورت یک مصحف جمع‌آوری نماید. نه اینکه خود وی و یا در زمان خلافت وی چنین شده باشد.

۲- روش تحقیق تطبیقی و غیر تطبیقی در مطالعات قرآنی

مطالعات و تحقیقات قرآنی گاهی براساس بررسی مسأله از یک نگاه و یک متن یا از چند نگاه و چند متن انجام می‌گیرد بنابراین روش‌های مطالعه و تحقیق قرآنی به دو دسته تطبیقی^۳ و غیر تطبیقی تقسیم می‌شوند، که روش ما در این پژوهش تطبیقی می‌باشد. البته مطالعات تطبیقی منافاتی با استفاده از روش‌های تحقیق درون قرآنی و برون قرآنی و میان‌رشته‌ای ندارد، بلکه گاهی اوقات جمع برخی از این روش‌ها در بررسی یک مسأله لازم و مکمل است.

۳- نقد و بررسی آراء و نظریات تئودور نولدکه

۳-۱- عدم جمع‌آوری قرآن در عصر پیامبر!

«بدیهی است که قرآن در زمان پیامبر جمع نشده است؛ زیرا روایتی از زید بن ثابت ثابت موجود است که اشاره می‌کند در زمان پیامبر، قرآن به هیچ وجه گردآوری نشده، ولی دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که به اخبار و روایاتی استناد می‌کند تا نسخه تدوین یافته به دست ابوبکر را ثابت کند. بنابراین، بر اساس این روایات، خلیفه نخست با نصوص و حیاتی پراکنده و پاره پاره روبه‌رو بوده و یا آن چنان که سیوطی تفسیر می‌کند این آیات در یک جا گردآوری نشده بود و سوره‌ها نیز مرتب نبودند...». (نولدکه، ۲۰۰۴، ص ۲۴۰)

۳-۲- عدم جمع قرآن توسط حضرت علی (ع)

نولدکه می‌گوید: «بعضی ادعا دارند که جمع قرآن به دست علی در زمان حیات پیامبر بوده و بعضی نیز آن را مربوط به بعد از حیات پیامبر دانسته‌اند تا این که این افتخار را از دیگران سلب نمایند؛ از این رو، علی تصمیم گرفت قرآن را از حافظه خود به تدوین در آورد و او سه روز این کار را انجام داد و در ادامه می‌گوید: مصادر این اخبار به شیعه و یا تاریخ اهل سنت (که دارای افکار شیعی هستند) برمی‌گردد و این گفته‌ها با وقایع تاریخی منافات دارد». (نولدکه، ۲۰۰۴، ۲۳۴-۲۳۳)

در جای دیگر می‌گوید: بعید نیست که گفته شود افزون بر قرآن‌هایی که در زمان ابوبکر جمع و تدوین شده بود، نسخه‌هایی غیرمشهور از قرآن وجود داشته است؛ اما این که گفته شود علی نسبت به جمع قرآن اقدام نمود، بعید و یا محال به نظر می‌رسد و روایاتی که می‌گوید علی بعد از پیامبر به جمع قرآن اقدام نمود، از مجعولات شیعه است. (نولدکه، ۲۰۰۴، ص ۲۷۸)

۳-۳- حافظان و جمع کنندگان قرآن

نولدکه می‌گوید: «چگونه مؤمنان، تمام یا بخش زیادی از آیات وحی شده را در خاطر خویش حفظ کرده بودند، چنانکه حفظ متون مقدس، در تمامی دوره‌ها، اصل اولی و اساسی بوده و نقل مکتوب وحی همواره امری ثانوی و وسیله‌ای برای تأمین اهداف دیگر به شمار می‌آمد». در ادامه می‌گوید: «در ذکر اسامی و تعداد جمع کنندگان قرآن تفاوت چندانی در روایات وجود ندارد بیش‌تر با چهار تن به عنوان جمع کنندگان قرآن مواجه هستیم: از جمله: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابو زید انصاری، در نقل‌های مختلفی از این روایت، اسامی دیگری نیز وجود دارد؛ مانند ابوالدرداء، عثمان، تمیم الداری، عبدالله بن مسعود سالم بن معقل [مولی حذیفه]، عباد بن صامت، ابویوب، سعد بن عبید، مجمع بن جاریه [یا حارثه]، عبید بن معاویه، علی بن ابی طالب». (نولدکه، ۲۰۰۴، ۲۴۲-۲۴۱)

نولدکه می‌گوید: دشوار نیست که زمان تقریبی رویداد این حوادث (توحید مصاحف) را پیدا کنیم و آن این که زمان لشکر کشی به ارمنستان و آذربایجان را عموم مورخان سال ۳۰ هجری دانسته‌اند، ولی ارتباط این حمله‌ها با دیگر نبردهایی که مورخان در همان منطقه برشمرده‌اند و با اشخاصی که نامشان برده شده است، روشن نیست.

۳-۴- نقد آراء و نظریات نولدکه توسط دانشمندان

بعضی از دانشمندان اسلامی بر این عقیده‌اند که قرآن کریم به موجب دلایل و شواهد فراوان در عصر رسالت و زیر نظر شخص پیامبر جمع‌آوری و تدوین شد و هنگامی که آن حضرت از دنیا رفت، علاوه بر مصاحف شماری از صحابه، یک مصحف کامل در خانه حضرت بود.

از جمله دانشمندان قرآن‌پژوهی که در دوره‌های مختلف، بر این نکته تأکید و اصرار دارند، در ذیل ذکر می‌شود: خازن و زرقانی (عاملی، سید جعفر، حقایق مهم پیرامون قرآن کریم، ۶۳)؛ زرکشی، محمد بن عبدالله (الزرکشی، ۱۴۱۱، ۱: ۲۳۸-۲۴۰)؛ ابن حجر، احمد بن علی، (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۱۰-۹)؛ شیخ حرّعاملی (عاملی، ۱۴۱۷، ۱۶۶)؛ سید بن طاووس (شرف الدین، ۱۳۸۶، ۲۹-۳۰)؛ عاملی، سید شرف الدین (شرف الدین، ۱۳۸۶، ۱۶۶)؛ خویی، ابوالقاسم (خویی، ۱۴۰۸، ۲۵۷-۲۷۸)؛ عسکری، سید مرتضی (عسکری، ۱۴۱۷، ۱۸۸)؛ دروزه، محمد عزّه (دروزه، ۱۳۵۹، ۵۵)؛ حجتی، سید محمد باقر (حجتی، ۱۳۸۷، ۲۳۱-۲۳۲)؛ عاملی، مرتضی (عاملی، ۱۳۷۷، ۹۲-۹۷)؛ رامیار، محمود. (رامیار، ۱۳۶۲، ۲۸۱)

محمد حسین علی صغیر، از قرآن‌پژوهان معاصر تصریح دارد که «کاوش علمی بیانگراین واقعیت است که همه قرآن در عصر پیامبر نوشته و گردآوری شد. چنان که ابن حجر همین نظریه را برگزیده است. (صغیر، ۱۳۶۹، ۸۵-۸۷)

نولدکه چگونه ادعا می‌کند مصحف علی(ع) از مجعولات شیعه است، در حالی که بسیاری از محققان مسلمان مانند ابن ندیم در الفهرست (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ۳۲-۳۱) و سیوطی در الاتقان (سیوطی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۷) و ابن سعد در الطبقات

الکبری (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۳۸) و ابن ابی داود سجستانی در کتاب المصاحف (سجستانی، ۱۹۳۶، ص ۱۶) به این مصحف از طرق مختلف تصریح کرده‌اند.

همزمان با نزول وحی، گروهی از صحابه، مشغول حفظ آیات الهی شدند و آن را به خاطر سپردند که در تاریخ، این گروه به حفاظ قرآن و جماع القرآن معروف شدند (عاملی، ۱۴۱۰، ۹۹) پیامبر اسلام نیز به حفظ قرآن کریم توجه خاصی داشت و صحابه را به این امر بسیار تشویق می‌کرد.

ادعای نولدکه در این باره صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا سیوطی این گزارش را در مورد حافظان بیان می‌کند. «حافظان در زمان پیامبر بیش از هفتاد نفر بودند؛ زیرا در هر یک از دو جنگ «یمامه» و «بئر معونه» هفتاد حافظ قرآن به شهادت رسیدند.» (سیوطی، بی تا، ۱، ۱۵۴)

ادعای نولدکه درباره حافظان و جمع کنندگان قرآن صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا او می‌گوید: عموم مورخان این حادثه را مربوط به سال ۳۰ دانسته‌اند، در حالی که چنین نیست؛ زیرا شماری از مورخان آن را مربوط به سال ۲۵ یعنی سال دوم یا سوم خلافت عثمان دانسته‌اند. ابن حجر می‌گوید: این کار (توحید مصاحف) از سال ۲۵ هجری آغاز شد و برخی گمان کرده‌اند، آغاز این کار در سال ۳۰ هجری بوده، ولی هیچ سندی بر ادعای خود ارائه نکرده‌اند. (عسقلانی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۵)

ظاهراً سخن ابن اثیر که تاریخ آن را به سال ۳۰ دانسته، اشتباه است؛ زیرا:

اولاً: بنا به روایت ابو مخنف، این جنگ در سال ۲۴ هجری رخ داده است. (الطبری، بی تا، ۴: ۲۴۶)

ثانیاً سعید در سال ۳۰ به جای ولید به حکومت کوفه منصوب شد و او در این زمان خود را برای جنگ طبرستان آماده کرده بود و ابن عباس و حذیفه در این جنگ همراه او بودند، و سعید تا سال ۳۴ به مدینه نیامد. با توجه به این مطلب که سعید یکی از اعضای توحید مصاحف بوده، اگر آغاز این کار در سال ۳۰ باشد، با این حوادث تطبیق ندارد. (الطبری، بی تا، ۲۴: ۱۵۵)

ثالثاً: ابن ابی داود از مصعب یا سعد روایت کرده است که می‌گوید: عثمان هنگام جمع‌آوری قرآن به مردم اعلام نمود ۱۵ سال است که پیامبر رحلت فرموده و شما درباره قرآن دچار اختلاف شدید و ... (سجستانی، ۱۴۱۵، ۲۴) از این خطبه به خوبی روشن می‌شود که توحید مصاحف باید در سال ۲۵ هجری باشد، زیرا پیامبر در اوایل سال ۱۱ هجری رحلت کردند.

۴- نقد و بررسی آراء و نظریات آیت الله خویی در جمع‌آوری قرآن

آیت‌الله خویی احادیث و روایات جمع‌آوری قرآن را شالوده و زیربنای پندارهای واهی در چگونگی تدوین قرآن در زمان خلفا دانسته که تحریف قرآن از آن‌ها استنتاج شده است. به عقیده ایشان اگر این روایت‌ها بررسی شود و ضعف و سستی

آن‌ها نشان داده شود، همه این تصورها و نتیجه‌گیری‌های غلط جمع و تدوین قرآن در زمان خلفا به خودی خود متزلزل شده و فرو می‌ریزد (خویی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲). به همین دلیل آیت الله خویی دلایلی برای رد نظریه جمع‌آوری قرآن پس از حیات پیامبر آورده است:

۴-۱- روایات متناقض

آیت الله خویی ۲۲ روایتی که مهم‌ترین روایات در مورد کیفیت و چگونگی جمع‌آوری قرآن نقل شده است را در کتاب خویش ذکر کرده که ما به دلیل اختصار از ذکر تمامی آن‌ها چشم‌پوشی کرده و فقط دوازده روایتی که در نقد و بررسی به آن‌ها اشاره کردیم و نقدهایی که ایشان به روایات وارد کرده را بترتیب در ذیل می‌آوریم.

روایت اول: زید بن ثابت نقل می‌کند که «ابوبکر در جنگ یمامه مرا طلبید، هنگامی که وارد شدم، عمر بن خطاب نیز در نزد وی حاضر بود.»

ابوبکر گفت: «زید، عمر به نزد من آمده می‌گوید: جنگ یمامه به طور خونبار به وقوع پیوست و گروهی از قاریان قرآن را طعمه خود ساخت، ممکن است جنگ‌های شدیدتر دیگری نیز پیش بیاید و بقیه حافظان و قاریان کشته شوند و در نتیجه اکثر آیات قرآن در سینه‌های قاریان با کشته شدن آن‌ها از بین برود و من صلاح در این می‌بینم که دستور بدهی قرآن را در یک جا جمع‌آوری کنند.»

ابوبکر اضافه نمود که من به عمر گفتم: «کاری را که خود رسول خدا انجام نداده است، تو چگونه اقدام به آن را از من می‌خواهی؟!» عمر گفت: به خدا سوگند! خیر و صلاح در همین است و او مرتب در این باره به من مراجعه می‌نمود و این پیشنهاد را تکرار می‌کرد تا این که خداوند در این باره به من نیز شرح صدر داد و بر دلم افکند که با نظر و رأی عمر موافقت کنم.

زید می‌گوید ابوبکر به من گفت: تو جوانمرد، عاقل، مورد اطمینان و راستگو هستی و تو در دوران رسول خدا نیز نوشتن وحی را به عهده داشتی. اینک جمع‌آوری قرآن را به عهده بگیر و این عمل خطیر و افتخار آمیز را انجام بده! زید اضافه می‌کند: به خدا سوگند! اگر ابوبکر مرا به کندن کوهی و انتقال دادن آن از جایی به جای دیگر وامی داشت، از عمل جمع‌آوری قرآن برایم آسان تر می‌بود، این بود که من هم اشکال ابوبکر را تکرار کردم و به او گفتم: شما چگونه عملی را که خود رسول خدا انجام نداده است، انجام می‌دهید؟ ابوبکر گفت: «به خدا سوگند! صلاح مسلمانان در این است و این بود که وی در این باره مکرر به من مراجعه می‌کرد و پیشنهاد جمع‌آوری قرآن را مرتب تعقیب می‌نمود تا روزی که خداوند بر من هم سعه صدر داد و آن چه که بر دل ابوبکر و عمر افکنده بود بر دل من نیز افکند، دامن همت به کمر بستم و قرآن را از لوحه‌ها و کاغذها و تخته پاره‌ها و از سینه‌های مردم جمع‌آوری کردم تا این که دو آیه آخر سوره توبه را تنها در نزد خزیمه بن ثابت انصاری پیدا نمودم.»

زید بن ثابت می‌گوید: «این قرآن که با این زحمات طاقت فرسا از منابع پراکنده جمع‌آوری شد و بصورت کتاب واحد درآمد، در نزد ابوبکر بود و پس از دوران وی پیش عمر و بعد از او نیز در نزد حفصه دختر عمر بود.» (خویی، ۱۳۸۴، ۲۹۸-۳۰۲)

روایت دوم: ابن شهاب از انس بن مالک نقل می‌کند به هنگامی که حذیفه از طرف عثمان مأموریت داشت که اهل شام را همراه اهل عراق برای فتح آذربایجان و ارمنستان بسیج کند. حذیفه از اختلاف شدیدی که در قرائت قرآن در میان آنها به وجود آمده بود، به وحشت افتاد و به نزد عثمان آمد و گفت: «یا امیر المؤمنین! پیش از آن که این مسلمانان در کتابشان به مانند یهود و نصاری دچار اختلاف شوند، به داد آنان برس. عثمان به حفصه پیغام داد که صحیفه‌ها را به نزد ما بفرست که پس از نسخه برداری باز پس، حفصه صحیفه‌ها را به نزد عثمان فرستاد. عثمان به زید بن ثابت و عبد الله بن زبیر و سعید بن عاص و عبدالرحمان بن حرث بن هشام دستور داد از روی این صحیفه‌ها چند نسخه دیگر نوشتند. عثمان به سه تن از آن نویسندگان که از قبیله قریش بودند، گفت: اگر شما و زید بن ثابت در موردی از قرآن اختلاف نظر پیدا کردید با لغت قریش بنویسید زیرا قرآن با لهجه و لغت آنان نازل شده است. این چهار نفر طبق دستور عثمان به کار پرداختند تا از روی آن صحیفه‌ها چند مصحف دیگر نسخه برداری کنند سپس عثمان صحیفه‌های اصلی را به حفصه برگردانید و از مصحف‌هایی که نسخه برداری شده بود به هر ناحیه یک جلد فرستاد و دستور داد نسخه‌های دیگر قرآن را که غیر از این نسخه هاست به طور کلی بسوزانند و از بین ببرند.»

ابن شهاب پس از نقل این جریان می‌گوید: خارجه فرزند زید بن ثابت نقل می‌کرد: «از پدرم شنیدم که می‌گفت: وقتی که مصحف را استنساخ می‌کردیم آیه‌ای از سوره احزاب را که از خود رسول خدا شنیده بودم گم کردیم، پس از پی‌جویی در نزد خزیمه بن ثابت انصاری پیدا نمودیم، و به سوره احزاب لاحق کردیم که بدین گونه بود: (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ) (احزاب: ۲۳) از مؤمنان کسانی هستند که در پیمانشان با خدا وفا دارند.» (بخاری، ۱۴۰۷، ۹۹)

روایت سوم: ابن شهاب از سالم بن عبدالله و خارجه نقل می‌کند که: «ابوبکر قرآن را در کاغذ پاره‌ای جمع‌آوری کرد و از زید بن ثابت درخواست کرد که به این نوشته نظری بیفکند، زید امتناع ورزید تا ابوبکر در این باره از عمر استمداد نمود، در اثر اصرار و پافشاری زیاد آن دو، زید نظارت و تصحیح آن نوشته‌ها را به عهده گرفت. این صحیفه‌ها و نوشته‌ها در نزد ابوبکر بود و بعد از درگذشت وی در نزد عمر و پس از مرگ او در نزد حفصه همسر رسول خدا بود که عثمان کسی را به نزد او فرستاد و آنها را خواست. حفصه از تحویل دادن آن صحیفه‌ها خودداری می‌کرد تا این که عثمان وعده حتمی داد که آنها را به خود حفصه باز گرداند، آن گاه حفصه پذیرفت و صحیفه‌ها را به نزد عثمان فرستاد. عثمان همین مصحف موجود را از روی آن صحیفه‌ها نوشت، سپس اصل آن را به حفصه بازگردانید که پیوسته در دست حفصه بود.» (سیوطی، ۱۳۷۶، ۲۰۷-۲۱۰)

روایت چهارم: ابن ابی شیبہ با سند خود از امیر مؤمنان (ع) نقل می‌کند که: «اجر و پاداش ابوبکر در جمع‌آوری قرآن بیش از همه می‌باشد زیرا او اول کسی بود که قرآن را در میان دو لوح جمع‌آوری نمود.» (خویی، ۱۳۸۴، ۲۰۱)

روایت پنجم: هشام بن عروه از پدرش چنین آورده است: «چون قاریانی که در جنگ یمامه شرکت داشتند، کشته شدند؛ ابوبکر به عمر بن خطاب و زید بن ثابت دستور داد که در کنار مسجد بنشینند و هر کس سخنی به عنوان قرآن ارائه داد، آن را نپذیرند مگر این که دو نفر مورد اطمینان به قرآن بودن آن شهادت دهند، در این صورت آن را ثبت کنند زیرا عده زیادی از اصحاب رسول خدا و حافظان قرآن، در جنگ یمامه کشته شده‌اند و اکنون برای جمع‌آوری و مدون کردن قرآن ضرورت احساس می‌شود» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۱۳۶).

روایت ششم: مصعب بن سعد نقل می‌کند: «که روزی عثمان در میان جمعیت خطبه‌ای ایراد نمود و چنین گفت: سیزده سال پیش نیست که از فوت پیغمبر سپری می‌شود که شما درباره چگونگی خواندن قرآن نزاع و اختلاف دارید و می‌گویید؛ قرائت ابی‌اینچنین و قرائت عبدالله آنچنان بود. یکی می‌گوید؛ قرائت تو درست نیست. آن دیگری می‌گوید: قرائت تو صحیح نمی‌باشد. شما را به خدا این اختلافات را کنار بگذارید و هر چه از آیات قرآن در نزد شماست پیش من بیاورید تا آن‌ها را به یک شکل و در یک جا جمع‌آوری کنیم.» (خویی، ۱۳۸۴، ۳۰۷)

روایت هفتم: حسن روایت می‌کند که عمر درباره آیه ۱۲۸ سوره‌ی توبه قرآن سؤال کرد، در پاسخ وی گفتند که این آیه در نزد فلان قاری بود که در جنگ یمامه کشته شد. عمر بن خطاب با احساس خطر از این که شاید قرآن با از بین رفتن حافظان آن تدریجاً از بین برود، کلمه استرجاع (أنا لله وانا الیه راجعون) را بر زبان راند و دستور داد که هر چه زودتر قرآن را جمع‌آوری کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲۸)

روایت هشتم: ابو اسحاق از بعضی اصحاب خود نقل می‌کند: «عمر بن خطاب که خواست قرآن را جمع‌آوری کند، از مردم پرسید: آشناترین افراد به ضبط لغات عرب کیست؟ گفتند: سعید بن عاص آن گاه پرسید: خوشنویس‌ترین مردم کیست؟ گفتند: زید بن ثابت، عمر گفت: باید سعید املا کند و زید بنویسد و طبق دستور وی چهار مصحف نوشتند، عمر یکی از آن چهار مصحف را به کوفه و یکی را به بصره و یکی را به شام و مصحف دیگر را به حجاز فرستاد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶۲)

روایت نهم: سلیمان بن ارقم از حسن و ابن سیرین و ابن شهاب زهری نقل می‌کند: «که در جنگ یمامه قتل عام سهمگینی متوجه قاریان قرآن شد و در همین جنگ چهارصد نفر از آنان کشته شدند.» (خویی، ۱۸۴، ۲۶۹)

روایت دهم: ابو ملیح نقل می‌کند که: «عثمان بن عفان چون تصمیم گرفت، قرآن نوشته شود گفت: باید قبیله هذیل املا کند و قبیله ثقیف بنویسد.» (سیوطی، ۱۳۷۶، ۱۴۰)

روایت یازدهم: عکرمه می‌گوید: «هنگامی که قرآن تدوین شده را به نزد عثمان آوردند اغلاطی در آن مشاهده نمود و گفت: اگر املا کننده‌اش از خاندان هذیل و نویسنده‌اش از قبیله ثقیف بود، این اغلاط در قرآن وجود نداشت.»

زید بن ثابت با عمر بن خطاب ملاقات نمود و به وی گفت: «این قرآن است که احکام دین ما در آن جمع است و با از بین رفتن قرآن، احکام دین از بین خواهد رفت و من تصمیم گرفته‌ام که آیات قرآن را جمع‌آوری نموده و به صورت کتابی در بیاورم» عمر نیز گفت: «صبر کن تا با ابوبکر مشاوره نماییم! هر دو باهم به نزد ابوبکر رفتند و موضوع را با وی در میان گذاشتند، ابوبکر پاسخ داد که عجله نکن تا در این مورد با مسلمانان نیز گفت‌وگو شود، سپس در میان مردم خطابه‌ی ایراد نمود و موضوع جمع‌آوری قرآن را به اطلاع مسلمانان رسانید و آنان نیز اظهار رضایت و خوشنودی نمودند و گفتند کار خوب و نیکویی است.» آنگاه جمع‌آوری قرآن شروع شد و به دستور ابوبکر منادی در میان مردم اعلام نمود که در نزد هر کس آیه‌ای از قرآن هست، بیاورد. (خویی، ۱۸۴، ۳۲۰)

روایت دوازدهم: ابو قلابه نقل می‌کند که عثمان در دوران خلافتش به چند نفر از قاریان دستور داد که افرادی برای مردم قرائت را تعلیم کنند و معلمین مشغول تعلیم قرائت شدند در این میان جوانان و کودکان نیز قرائت را فرا می‌گرفتند ولی در قرائت اختلاف می‌کردند، تا جایی که اختلاف آنان به گوش معلمین رسید و بعضی از این معلمین نیز قرائت بعضی دیگر را کفر و زندقه، معرفی می‌کردند و این اختلاف تدریجاً شدیدتر می‌شد تا به گوش عثمان رسید. وی در ضمن خطبه‌ای به مردم چنین گفت: «شما که در نزد من و در مرکز کشور اسلامی هستید، در قرائت اختلاف کرده و کلمات آن را غلط تلفظ می‌کنید، کسانی که از من و مرکز دورند و در نقاط و شهرهای دوردست زندگی می‌کنند، اختلاف در قرائت و تلفظ غلط در میان آنان طبیعتاً بیشتر است، پس بر شما یاران پیامبر لازم است قرآنی بنویسید که مدرک و مرجع قرآن‌های دیگر باشد و مردم با مراجعه به آن قرآن اختلافاتشان را بر طرف سازند.» ابو قلابه از مالک بن انس نقل می‌کند که او می‌گفت: «من از کسانی بودم که آیات قرآن را به نویسندگان قرآن املا می‌نمودم. گاهی در یک آیه اختلاف پیدا می‌شد، آن‌گاه نام کسی که آن آیه را از رسول خدا(ص) گرفته بود، یاد می‌نمودند و گاهی آن شخص نیز غایب و یا در بیرون شهر بود، آیات قبلی و بعدی را می‌نوشتند و جای همان آیه مورد اختلاف را خالی می‌گذاشتند تا آن شخص بیاید و یا کسی را می‌فرستادند که او را بیاورد و آیه مورد اختلاف را با نظر وی تطبیق کرده و می‌نوشتند.» بدین صورت نوشتن مصحف به پایان رسید. عثمان به مردم شهرها نوشت که: من چنین و چنان کردم و قرآنی نوشتم و غیر از آن هر چه در نزد من بوده است، از بین بردم و در نزد شما نیز هر چه از آیات قرآن هست، از بین ببرید. (خویی، ۱۸۴، ۳۲۱)

۴-۲- تناقض زمانی در روایت‌های جمع‌آوری قرآن در زمان بعد از حیات پیامبر(ص)

آیت الله خویی معتقدند که روایات مذکور درباره زمان جمع‌آوری قرآن بر سه گروه‌اند: ایشان می‌فرمایند: از روایت دوم و ششم چنین بر می‌آید که جمع‌آوری قرآن در دوران خلافت عثمان صورت گرفته است، ولی از چند روایت دیگر، مانند روایت اول و سوم و چهارم و پنجم چنین استفاده می‌شود که قرآن در دوران ابوبکر، جمع‌آوری شده است و آنچه از

روایات هفتم و هشتم ظاهر می‌شود، این است که جمع‌آوری قرآن، نه در دوران ابوبکر و نه در دوران عثمان، بلکه در دوران خلافت عمر به وقوع پیوسته است. (خویی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۲)

۳-۴- تناقض در مورد افراد گردآورنده قرآن در زمان ابوبکر

آیت‌الله خویی می‌فرماید از روایت اول و هشتم مشخص است که متصدی و مباشر جمع‌آوری قرآن زید بن ثابت بوده است، ولی روایت چهارم می‌گوید: متصدی این کار خود ابوبکر بوده و زید بن ثابت طبق دستور ابوبکر تنها به صحیفه‌ها و کتیبه‌های جمع‌آوری شده نگاه می‌کرده است، همچنین از روایات اول بر می‌آید که عمر از ابوبکر خواست قرآن را جمع‌آوری کند و ابوبکر امتناع ورزید و بعد از اصرار زیاد و پافشاری با وی موافقت کرد، آن‌گاه زید را خواست و تقاضای عمر را به وی پیشنهاد نمود. زید نیز پس از ابا و امتناع در نهایت با وی موافقت کرد، ولی در مقابل این روایت، روایت نهم است که می‌گوید: زید و عمر یک چنین درخواستی را از ابوبکر کردند و او نیز پس از مشاوره با مسلمانان به آنان جواب مثبت داد. آنچه از روایت پنجم مشخص است این است که زید بن ثابت و عمر هر دو متصدی جمع‌آوری قرآن بوده‌اند. (خویی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۰) همچنین از روایت اول بر می‌آید که ابوبکر جمع‌آوری قرآن را به زید محول کرده بود، زیرا گفتار ابوبکر به زید بن ثابت که «تو جوانمرد، عاقل، راستگو و مورد اطمینان می‌باشی و در پیش خود رسول خدا نیز نوشتن وحی را به عهده داشتی، امروز هم نوشتن قرآن را به عهده بگیر!»، این جملات به صراحت می‌رساند که ابوبکر جمع‌آوری قرآن را به زید بن ثابت واگذار کرده بود و از بعضی روایات دیگر استفاده می‌شود که مسأله تفویض و محول نمودن در میان نبوده است و چند نفر متصدی این کار بوده‌اند. (خویی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۱)

۴-۴- تناقض در مورد افراد گردآورنده قرآن در زمان عثمان

آیت‌الله خویی بیان می‌کنند روایت دوم تصریح می‌کند که عثمان، زید و ابن زبیر و سعید و عبدالرحمان را برای کتابت و املائی قرآن معین نمود، ولی طبق صراحت روایت هشتم او زید را برای کتابت و سعید را برای املا معین ساخت و طبق روایت دهم وی خاندان ثقیف را برای کتابت و هذیل را برای املائی آیات قرآن نامزد کرد، ولی روایت یازدهم آن را تکذیب می‌کند و صراحت در این دارد که نویسنده از ثقیف و املا کننده از هذیل نبوده است. (خویی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸)

همچنین ایشان می‌فرمایند از اکثر این روایات ظاهر می‌گردد که تمام آیات قرآن در صحیفه‌ها، اوراق و قطعات مختلف به طور پراکنده تا دوران عثمان ضبط شده بود، ولی از روایت دوم چنین بر می‌آید که قسمتی از آیات قرآن تا دوران عثمان نوشته نشده بود، و فقط در حافظه‌ها قرآن محفوظ بود. همچنین از بیشتر روایات بیان می‌شود که عثمان از آن چه که قبل از وی نوشته شده بود، چیزی کم نکرد ولی روایت دوازدهم: ابو قلابه نقل می‌کند که عثمان در دوران خلافتش به چند نفر از قاریان دستور داد که افرادی برای مردم قرائت را تعلیم کنند و معلمین مشغول تعلیم قرائت شدند در این میان جوانان و کودکان نیز قرائت را فرا می‌گرفتند ولی در قرائت اختلاف می‌کردند، تا جایی که اختلاف آنان به گوش معلمین رسید و بعضی از این معلمین نیز قرائت بعضی دیگر را کفر و زندقه، معرفی می‌کردند و این اختلاف تدریجاً شدیدتر می‌شد تا به

گوش عثمان رسید. وی در ضمن خطبه‌ای به مردم چنین گفت: «شما که در نزد من و در مرکز کشور اسلامی هستید، در قرائت اختلاف کرده و کلمات آن را غلط تلفظ می‌کنید، کسانی که از من و مرکز دورند و در نقاط و شهرهای دور دست زندگی می‌کنند، اختلاف در قرائت و تلفظ غلط در میان آنان طبیعتاً بیشتر است، پس بر شما یاران پیامبر لازم است قرآنی بنویسید که مدرک و مرجع قرآن‌های دیگر باشد و مردم با مراجعه به آن قرآن اختلافاتشان را بر طرف سازند.» ابو قلابه از مالک بن انس نقل می‌کند که او می‌گفت: «من از کسانی بودم که آیات قرآن را به نویسندگان قرآن املا می‌نمودم. گاهی در یک آیه اختلاف پیدا می‌شد، آنگاه نام کسی که آن آیه را از رسول خدا (ص) گرفته بود، یاد می‌نمودند و گاهی آن شخص نیز غایب و یا در بیرون شهر بود، آیات قبلی و بعدی را می‌نوشتند و جای همان آیه مورد اختلاف را خالی می‌گذاشتند تا آن شخص بیاید و یا کسی را می‌فرستادند که او را بیاورد و آیه مورد اختلاف را با نظر وی تطبیق کرده و می‌نوشتند.» بدین صورت نوشتن مصحف به پایان رسید. عثمان به مردم شهرها نوشت که: من چنین و چنان کردم و قرآنی نوشتم و غیر از آن هر چه در نزد من بوده است، از بین بردم و در نزد شما نیز هر چه از آیات قرآن هست، از بین ببرید. (خوبی، ۱۸۴، ۳۲۱) و تصریح می‌کند که قسمتی از آن چه را که قبل از وی نوشته شده بود، از بین برد و به مسلمانان نیز دستور داد، آن چه را که او از بین برده است، آنان نیز از بین ببرند. (خوبی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۹)

۴-۵- اختلاف روایات جمع‌آوری قرآن در زمان خلفا با قرآن

روایاتی که جمع‌آوری قرآن را بعد از حیات پیامبر (ص) تایید می‌کند، علاوه بر این که با روایات بسیاری در تعارض هستند با برخی آیات قرآن نیز اختلاف دارند. از کلام آیت الله خوبی دلایلی برای تعارض روایات با برخی آیات قرآن وجود دارد که عبارتند از: اینکه تعداد زیادی از آیات قرآن کریم دلالت دارند بر این که در زمان نزول قرآن سوره‌ها از همدیگر، متمایز و هر یک از آن‌ها جداگانه در میان مردم و حتی در میان مشرکان و اهل کتاب منتشر شده بود، (سیوطی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸) زیرا رسول خدا طبق دستور قرآن، کفار و مشرکین را به مبارزه و معارضه خویش دعوت کرد و در این مبارزه، آوردن سخنانی همانند قرآن و سپس آوردن ده سوره و در نهایت، آوردن یک سوره مانند سوره‌های قرآن را به آن‌ها پیشنهاد نمود و معنای این مبارزه و پیشنهاد این است که سوره‌های قرآن حتی در دسترس کفار و مشرکین نیز قرار گرفته بود. (خوبی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۷)

۴-۶- اختلاف روایات جمع‌آوری قرآن در زمان خلفا از نظر عقلی

روایاتی که جمع‌آوری قرآن را به خلفا و دوران بعد از پیامبر مربوط می‌سازند با حکم عقل نیز موافق و سازگار نیستند، زیرا عظمت خود قرآن، اهتمام فوق العاده پیامبر به خواندن و حفظ نمودن آن، اهمیت فراوانی که مسلمانان به قرآن قائل بودند، اجر و ثواب بی‌پایان قرآن خواندن اقتضاء می‌کند که قرآن از نخستین روز نزولش و در عصر خود رسول خدا جمع‌آوری و تدوین شده باشد. هر روایتی که جمع‌آوری قرآن را به دوران‌های بعد از پیامبر مستند می‌کند، با این حقایق

مسلم تاریخی و افکار مسلمانان و با نیاز و نگاه خاص مسلمانان نسبت به قرآن و با دهها مطلب دیگر، کوچکترین سازشی ندارد بلکه مخالف همه اینها می‌باشد. (خویی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۰)

۴-۷- نقد آراء و نظریات آیت الله خویی پیرامون جمع قرآن در زمان حیات پیامبر توسط آیت الله معرفت

آیت الله معرفت دلایلی که آیت الله خویی مبنی بر جمع قرآن در زمان پیامبر بیان می‌کند را، رد کرده و می‌گوید:

موضوع جمع‌آوری قرآن یک حادثه تاریخی است، نه یک مسأله عقلی که قابل بحث و جدل باشد و در چنین مورد، صرفاً به نصوص تاریخی مستند مراجعه می‌شود.

تمام مورخان و نویسندگان سیره و اخبار متفقند که ترتیب سوره‌های قرآن، پس از درگذشت پیامبر(ص) انجام گرفته و به ترتیب نزول آنها نیست و کلیه اصحاب حدیث نیز با مورخان در این مورد، موافقت دارند.

هیچ تناقضی بین روایات مربوط به جمع‌آوری قرآن نیست، زیرا شکی نیست که به اشاره‌ی عمر، ابوبکر، زید را به جمع‌آوری قرآن مأمور کرد و به این اعتبار می‌توان جمع‌آوری اولیه را به هر سه اینها نسبت داد. اما نسبت دادن جمع‌آوری قرآن به عثمان، به اعتبار یکی کردن مصحف‌ها و نسخه‌های مختلف است و نسبت دادن آن به عمر، به طور قطع ناشی از اشتباه راوی است، زیرا به اجماع مورخان، عثمان بود که به این کار دست زد.

حدیث مربوط به اینکه شش و یا چهار نفر در عهد پیامبر(ص) قرآن را جمع کردند، به معنی حفظ کردن در دل است که آنان آیات قرآنی را تا آنجا که نازل شده بود، حفظ کرده و به خاطر سپرده‌اند و این امر بر وجود نظم و ترتیب بین سوره‌ها دلالت ندارد. اما مسأله تحدی، به وسیله خود آیات و سوره‌ها است، به وسیله هر آیه و هر سوره و هیچگاه تحدی به وسیله ترتیب موجود بین سوره‌ها نبوده تا بتوان به آن استدلال کرد علاوه بر اینکه تحدی بجز سوره بقره در سوره‌های مکی آمده و به طور قطع قرآن، قبل از هجرت جمع‌آوری نشده است.

اهتمام پیامبر(ص) نسبت به قرآن، قابل انکار نیست و به همین جهت پس از نزول هر آیه، نسبت به ضبط آن در سوره‌ی مربوطه، علاقه‌ی شدید داشت و لذا نظم بین آیات هر سوره در حیات پیامبر(ص) انجام گرفت، اما جمع سوره‌ها و ترتیب آنها به عنوان مصحف واحد در آن زمان انجام نشد، زیرا وحی به پایان نرسیده بود و هر آن نزول آیه‌ای انتظار می‌رفت و جمع‌آوری قرآن در آن وقت در یک مجلد به عنوان یک کتاب، عمل درستی به شمار نمی‌آمد و به همین جهت، پیامبر(ص) به هنگام وفات خود، که به انقطاع وحی یقین حاصل کرد، علی(ع) را به جمع‌آوری قرآن وصیت نمود.

معنی تواتر نص قرآنی، حصول یقین به وحی بودن آن، از هر مستند موثق و محکمی است و در اینجا تواتر به معنی تواتر مصطلح بین علماء اصول نیست. اما اینکه جمع‌آوری قرآن پس از پیامبر(ص) با تحریف آن ملازمه داشته باشد، صرف یک احتمال است که سندی بر تأیید آن وجود ندارد و با شناختی که نسبت به متصدیان جمع‌آوری قرآن و انضباط آنان

داریم و با توجه به قرب عهد آنان به زمان نزول آیات و احتیاط شدید آنان نسبت به وحی، محلی برای چنین احتمالی که در آیات قرآنی نقصان و یا زیادتی رخ داده باشد، باقی نمی‌گذارد. (معرفت، ۱۳۷۱، ۱: ۳۴۵-۳۴۴)

۵- نقد و بررسی آراء و نظریات آیت الله معرفت در جمع‌آوری قرآن

از سخنان آیت‌الله معرفت می‌توان به این مسأله پی برد که ایشان نظر علامه طباطبایی را پذیرفته‌اند، ایشان در بیان نظر خویش می‌گویند: تألیف و جمع‌آوری قرآن به شکل کنونی، اعم از تنظیم آیات و ترتیب سوره‌ها و نیز شکل‌گیری و نقطه‌گذاری و مجزا کردن آن به اجزاء مختلف، ناشی از یک عامل نبوده و این همه در دوره اولیه وحی تکمیل نشده است، بلکه طی دوره‌هایی انجام گرفته که از دوره رسالت آغاز شده و به زمان یکی کردن مصحف‌های مختلف در عهد عثمان منتهی شده است، بلکه به زمان خلیل بن احمد نحوی می‌رسد که وی شکل‌گیری قرآن را به شکل کنونی تکمیل کرد. (معرفت، ۱۳۷۸، ۱: ۳۲۹)

ایشان در ادامه در بیان جمع‌آوری و ترتیب آیات می‌گویند: جمع‌آوری و ضبط آیات قرآن در هر سوره به ترتیبی که هم اکنون در دست است، غالباً بر حسب ترتیب نزول آن‌ها انجام گرفته است. هر سوره با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شده و آیات این سوره که پس از آن و به تدریج یکی پس از دیگری نازل می‌شده به ترتیب نزول، ضبط شده است. تا اینکه «بسم الله» دیگری نازل می‌شده معرف آن بوده که سوره پایان یافته و سوره‌ای دیگر آغاز می‌گردد. کاتبان وحی، خود به این روش واقف بودند و به ضبط آیات در سوره‌هایی که «بسم الله» آن نازل شده، بر حسب ترتیب نزول آن‌ها و یکی پس از دیگری ملزم بودند، بدون آنکه به تذکر در مورد چگونگی ضبط هر آیه نیاز باشد. به این ترتیب آیه‌های هر سوره، به ترتیب نزول آن‌ها در عهد پیامبر (ص) مرتب شده، که آن را ترتیب طبیعی می‌نامیم و ترتیبی که هم اکنون در دست است، نسبت به قریب اتفاق آیات، بر همین اساس است. عامل دیگری در ضبط برخی از آیات وجود داشته که موجب شده است این دسته از آیات، برخلاف ترتیب نزول آن‌ها ضبط گردد و آن دستور خاص پیامبر (ص) بوده که احياناً امر می‌کرده‌اند که آیه‌ای در محلی از سوره‌ای که قبلاً کامل و ختم شده است، ضبط گردد و بی شک حضرتش مناسبت نزدیکی بین چنین آیه‌ای با آیاتی که قبلاً نازل شده می‌یافته‌اند و با اذن خدای متعال، به ضبط آن در محل مورد نظر امر می‌کرده‌اند و این موارد در زمره مستثنیات عدول از ضبط آیات، حسب ترتیب نزول آن‌ها است که به دستور خاص نیاز داشته است. (معرفت، ۱۳۷۸، ۱: ۳۳۳-۳۳۲)

آیت الله معرفت به نقد و بررسی نظر سیوطی که قائل به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها به جز سوره انفال و توبه است پرداخته است و می‌گوید: جلال‌الدین سیوطی با همه گستردگی و عمق فکر و با همه اطلاعات فراوانی که دارد می‌بینیم با پذیرفتن این نظریه و دیدگاه (مبنی بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌های قرآن) چنان در قعر این ورطه افتاده است که در مرحله اول نظر و دیدگاه بیهقی را مبنی بر اینکه ترتیب همه سوره‌ها توقیفی بوده و به امر شخص رسول خدا (ص) ترتیب یافته بجز سوره‌های انفال و براءت که ترتیب آن به گمان وی بر حسب انتخاب عثمان بوده، پذیرفته و سپس می‌گوید: در

آخرین مرحله‌ای که قرآن از طریق صحابه بر رسول خدا(ص) عرضه شد و با وی مقابله گردید، ترتیب سوره‌ها به همین ترتیب فعلی بر اساس قرائت عثمانی قرار گرفته و توقیفی گشت و سپس به سخن بعضی‌ها اعتماد نموده و می‌گوید: برای ترتیب وضع سوره‌ها در قرآن کریم، اسرار دقیق و علل و اسباب حکمت آمیزی وجود دارد که اقتضای توقیفی بودن آن را که از جانب خدای حکیم صادر گشته است را می‌نماید، از جمله:

۱. از اسرار دقیق و علل حکمت‌آمیز از حروف مقطعه‌ای که در آغاز سوره‌ها قرار گرفته استفاده می‌شود، چنانکه ترتیب سوره‌های هفتگانه «حم» به ترتیب «حم-المؤمن (غافر)» و «حم-سجده» و «حم-شوری» و «حم-زخرف»، «حم-دخان» و «حم-جاثیه» و «حم-احقاف» و ترتیب سوره‌هایی که با «الر» آغاز گشته‌اند که عبارتند از شش سوره «الر-یونس» و «الر-هود» و «الر-یوسف» و «الر-مرعد»، «الر-ابراهیم» و «الر-حجر» حکایت‌گر آن است.

۲. توافق و تناسب دقیق موجود میان پایان سوره‌ها با آغاز و ابتدای سوره‌های قبل از آنهاست؛ مانند آیات آخر سوره مبارکه «حمد» و اول سوره مبارکه «بقره» که از نظر معنا با هم مناسبت دقیق دارند.

۳. هم‌وزن بودن آخرین کلمه سوره قبل با آخر اولین آیه سوره بعدی، چنان که این، در مقایسه کلمه «مسد» در آخر سوره «تبت» با آخرین کلمه آیه اول از سوره «توحید» قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ دست می‌آید که در هر دو «قافیه» حرف «دال» می‌باشد. ۴. تشابه تمامی سوره قبل با مجموع سوره بعدی، چنانکه این امر در بین دو سوره «و الضحی» و «انشراح» واضح و روشن است! (مولائی‌نیا، بی تا، ۱۶۹-۱۶۸)

ایشان در خاتمه سخن خویش پس از بررسی نظر سیوطی به وی خرده می‌گیرد و می‌گوید: سیوطی با همه این حرف‌ها، خود، سخن خویش را نقض نموده و مورد انتقاد قرار می‌دهد. زیرا ترتیب این سوره‌ها در مصحف و قرآن‌های صحابه، مختلف بوده است. مانند قرآن ابن مسعود در مقایسه با ترتیب سوره‌های قرآن ابی بن کعب، زیرا اگر ترتیب سوره‌ها توقیفی بود هرگز نمی‌بایست در ترتیب آن‌ها اختلافی وجود داشته باشد، چنانکه در ترتیب آیه‌های سوره‌ها در هیچ قرآن نسبت به دیگر قرآن‌ها اختلاف ترتیبی وجود ندارد. (مولائی‌نیا، بی تا، ص ۱۷۰)

نتیجه

در مورد جمع‌آوری قرآن نظرات مختلفی مطرح شده است که مهم‌ترین آن‌ها در تحقیق حاضر بررسی شد و در نهایت، نتیجه چنین شد که آن چه در عصر رسول خدا به عنوان جمع قرآن نامیده‌اند، یا حفظ آیات و سوره‌های قرآن در سینه‌ها بوده که مسلمانان با عشق و علاقه وصف‌ناپذیری آیاتی که از جانب خدا بر رسول گرامی‌اش نازل می‌شد، مبادرت به حفظ آن‌ها می‌کرده‌اند و این همان «جمع اول» قرآن است. همچنین پیامبر(ص) در کار نوشتن وحی سعی بلیغی داشت به گونه‌ای که کاتبان وحی پس از دریافت آیات به املائی خود پیامبر و تحت نظارت او، آن را بر روی نوشت افزار معمول آن زمان می‌نوشتند و این «جمع

دوم» قرآن نامیده شده است که قطعاً در زمان حیات پیامبر(ص) انجام گرفته است، در این دو جمع، آیات در سوره‌ها و سوره‌ها در کتاب، کاملاً مشخص و معین بوده است. اما جمع قرآن به شکل «مابین الدفتین» و یا «ما بین اللوحین» کاری است که بعد از رحلت پیامبر(ص) انجام گرفته است. در نهایت با توجه به نقد و بررسی ادله‌ی ارائه شده توسط این سه اندیشمند اثبات گردید، نظریه قابل قبول‌تر، به صواب نزدیک‌تر و نظریه برتر این است که قرآن به صورت کامل در زمان حیات پیامبر(ص) جمع آوری شده بود و در زمان بعد از رحلت پیامبر فقط و فقط در بین الدفتین (میان دو جلد) قرار گرفته است.



منابع

قرآن کریم.

- ۱) ابن سعد، محمد (۱۴۰۵): *الطبقات الكبرى*، بیروت: انتشارات دارالصادر، بی چا.
- ۲) ابن فارس، احمد (۱۴۰۴): *معجم مقاییس اللغة*، قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، بی چا.
- ۳) ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹): *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه، بی چا.
- ۴) ابن ندیم (۱۸۷۱-۱۸۷۲): *الفهرست تحقیق G. Flügel*، بی جا: انتشارات لایپزیک، بی چا.
- ۵) الصالح، صبحی (۱۹۶۸): *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین، بی چا.
- ۶) حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۷): *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- ۷) حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵): *تفسیر نورالتقلین به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی*، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ۸) خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۴): *البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید جعفر حسینی، قم: انتشارات دارالتقلین، چاپ اول.
- ۹) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): *مفردات الفاظ القرآن تحقیق: صفوان عدنان*، بیروت: انتشارات دارالقلم، بی چا.
- ۱۰) سپهری، محمد (۱۳۸۴): *مأثوریتهای قرآنی*، پژوهش دینی؛ تهران: بی نا، بی چا.
- ۱۱) سجستانی، ابوبکر عبدالله بن ابی داود (۱۴۱۵): *المصاحف*، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، بی چا.
- ۱۲) سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان (۱۴۱۹): *الإتقان فی علوم القرآن تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم*، قم: انتشارات منشورات رضی بیدار.
- ۱۳) سیوطی، جلال الدین (۱۳۸۱): *الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی*، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- ۱۴) صغیر، محمد حسین علی (۱۳۶۹): *تاریخ القرآن*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی چا.
- ۱۵) طاهری، حبیب الله (۱۳۷۷): *درسهایی از علوم قرآنی*، تهران: انتشارات اسوه، بی چا.
- ۱۶) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴): *تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- ۱۷) طبری، محمد بن جریر. (بی تا): *جامع البیان*، بیروت: انتشارات دارالمعرفه بی چا.
- ۱۸) طریحی، فخرالدین (۱۴۰۳): *مجمع البحرین*، بیروت: انتشارات موسسه الوفاء، بی چا.
- ۱۹) عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۲): *فتح الباری*، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی چا.
- ۲۰) علی الصغیر، محمد حسین (۱۴۲۰): *المستشرقون و الدراسات القرآنیه*، بیروت: انتشارات دارالمورخ العربی، بی چا.
- ۲۱) عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱): *تفسیر عیاشی*، تهران: انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی چا.
- ۲۲) فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۴): *العين: ترتیب و تحقیق د. عبدالحمید هندووی*، بیروت: انتشارات دار الکتب العربیه، چاپ اول.
- ۲۳) قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۰): *روش شناسی مطالعات دینی*، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، بی چا.
- ۲۴) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۴): *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الطهار*، تهران: انتشارات دار الکتب اسلامیه، بی چا.
- ۲۵) معرفت، محمد هادی (۱۳۸۴): *تاریخ قرآن*، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- ۲۶) معرفت، محمد هادی (۱۴۱۲): *التمهید فی علوم القرآن*، قم: انتشارات نشر اسلامی، چاپ اول.
- ۲۷) معرفت، محمد هادی (۱۳۷۸): *آموزش علوم قرآن (ترجمه التمهید فی علوم القرآن)*، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی، بی چا.
- ۲۸) مولایی نیا همدانی، عزت الله (بی تا): *تناسب آیات و سور*، بی جا: بنیاد معارف اسلامی، بی چا.
- ۲۹) نولدکه، تیودور (۲۰۰۴): *تاریخ القرآن ترجمه جورج تامر*، بیروت: انتشارات جورج المز، چاپ اول.